

بمناسبت روز جهانی حقوق بشر

اعتقاد و احترام به حقوق اساسی بشر، حیثیت، حرمت و ارزش انسان و برابری حقوق مردان و زنان و رعایت این اصول، که اصول اساسی منشور ملل متحد را تشکیل دهند، از وظایف عمده دولت‌ها بشمار می‌آیند. همچنین ترویج و تحقق حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی بخش جدائی‌ناپذیر تحول جامعه در یک چارچوب دموکراتیک مبتنی بر حاکمیت قانون است.

ماده ۲۷ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۳۰ معاهده حقوق کودک، هر دو اشاره می‌کنند که اشخاص متعلق به اقلیت‌ها نباید از حق داشتن زندگی فرهنگی خاص، عمل به دین یا کاربرد زبان خودشان ... ادامه درص (۳)

۲۱- نجی آذر، آذربایجان‌نگ میلی

گونی نینگ ۵۴- نجی یئل دؤنؤم

گونی قوتلی بولسون!

عزیز آذری آرقاداشلار!

تورکمن، تورک، کورد، بلوچ، عرب و پارس ملت لردن عبارت بولان ایران دا، ۱۳۰۴-نجی یئلدا بویون یوغین نیسن بیلن حکومتی اله آلان بئوی اروغی، میلیتی پارس بونادئق آیری ملت لرینگ کیمینگی انکار ادیب، شون ملت لرینگ سیاسی-اقتصادی و اجتماعی و مدنی حق حقوق لارنی دبه لاپ گوزل آذربایجاندا ۱۳۲۴-نجی نیشنگ ۲۱-نجی آذرئندا، اوز اقباللاری اوزلری کسگیت نه سک اؤچیر غازاتلان اولی اوستونلیک لری غانا جایقات مونگرجه اساتنگ اولومینه و آیرالیتیننا سبب بولدی.

۱۳۵۷ نجی نیشنگ کمن آیندا ایراندا یاشایان ملت لرینگ دین آنگ دوشونجه سینده ن اوز سیاسی ماقصادلاری اوجیر اینگ یوقاری دره حده پیدالماغی ناشاران همین رژی هنده حاضر گونه دنگیچ شوونستیک سیاستی بیلن، بئوی اروغی تنگ سیاستی آلپ بارئب، تورکمن، تورک، کورد، بلوچ و عرب لارنگ ملتی و مدنی حق-حقوقلارنی انکار ادیب گلیار.

بیز سیزلری آذر بایجاننگ میلی گونی بولان ۲۱-نجی آذر گونی بیلن تویس یورکده ن قوتلاماق بیلن ن آلپ باریمان ایشرنگیزده اولی اولی اوستونلیک لر آرزو ادیاریس. حورمات بیلن:

تورکمن حالقی تنگ میلی حقوق لارنی قورایان قوراماننگ اعضالاری وه برینه یریحی توپاری. سوند-گوتیرگ شهری

۹۹/۱۲/۱۱

در این شماره می خوانید:

- چرا اعتراض زبان و ادبیات ترکی آغاز نشد؟
- مجاهدین رجوی ...
- جهتی تر شدن سرمایه داری و بحران ملیت‌ها
- حقایقی در باره جمهوری قدرتمند ترکیه
- بیاتیه تأسیس جنبش دموکراتیک احواز
- تورکمنیستاندا کۆپ عایللی لیلیق بار اسیندا
- ۱۲- نجی یانوار تراگه دیاسی
- طبل جنگ طلبی روسها

طبل جنگ طلبی روسها

پوتین که تشنه خون و قدرت بود بر کرسی نخست وزیری تکیه زد.

مسکو که از دست دادن جمهوریه‌های سابق شوروی سخت پشیمان بوده و لحظه ای از فکر تجدیدبرپایی امپراطوری سابق خود غافل نمی شود، اینبار مسئله مبارزه با " تروریستها و باندیتهای " قفقاز را بهانه قرار داده ار اگوست ۹۹ قوای تا دندان مسلح خویش را برای بزانو در آوردن ملت کوچک ولی شجاع چین وارد عرصه کارزار و نبرد ساخت.

سیاستمداران کرملین که نفوذ خود را در منطقه قفقاز جنوبی از جمله در آذربایجان و گرجستان از دست داده بودند، تنها با تقویت قوای خویش را در آنجا بزور حفظ می کند، تحمل از دست دادن " منطقه نفوذ خویش " در شمال قفقاز نیستند، مخصوصاً که مسئله انتقال نفت حوزه دریای خزر هم در کار باشد.

شرکتهای مختلف نفت و گاز بین المللی همچون BP-Amoko در راستای انتقال نفت آذربایجان و گاز ترکمنستان به بازارهای جهانی با دول ترکمنستان، آذربایجان و ترکیه قراردادهای دو جانبه و چند جانبه که بهای آن نزدیک به ۲/۵ میلیارد دلار میرسد امضاء کرد، اینکار خشم رژیمهای شوونیست تهران و مسکو را برانگیخت . آنان از هر فرصتی برای عملی نشدن این قرار داد استفاده می کنند.

اینکار سبب نزدیکی بیشتر مسکو-تهران شد. تهران بهانه های همچون آسیب رساندن به محیط زیست، مشخص نبودن وضعیت حقوقی دریای خزر و نیز نزدیک و ارزان بودن گذرگاه خلیج(فارس) را مطرح میکند، طرحی که دولت امریکا بواسطه قرار گرفتن ایران در لیست سیاه حامیان تروریزم بین المللی با آن مخالفت می کند. از نشانه های بارز همسویی رژیمهای تهران-مسکو عدم حمایت حکومت ایران در مسئله قره باغ از آذربایجان که مذهبی همانند حاکمان تهران دارد و ملت چین که به دین اسلام اعتقاد دارند، در عوض تهران دست دوستی به روسها که مذهب غیر اسلام دارند داده است.

تورکمن قلبی

وقتی قلدر چکمه پوش انگلستان رضاخان، نتوانست مبارزات جمهوری خواهی ترکمنصحرا را در سال ۱۳۰۲/۱۹۲۴ از طریق گسیل دسته های ارتش تا به دندان مسلح اش به زانو بنشانند، به مکر و حيله دست یازیده بنابه مثل معروف اربابش " تفرقه بینداز و حکومت کن " عوامل خود فروخته ای را در بین ترکمنها یافته به شکار رهبران جنبش همچون آنه گلدی عاجها دست یازید. از این قبیل خود فروشهای سیاسی در برهه های مختلف تاریخ جنبش رهایی بخش ملل گوناگون تکرار شده و می شود. جدیدترین نمونه آن، به خدمت گرفته شدن نیروهای شهردار سابق گروزی **بسلان فایدیمیروف** چین توسط نیروهای اشغالگر روس و در خط مقدم قرار دادن آنها در حمله برای تسخیر گروزی میباشد.

ملت چین نزدیک به دو سده در راه استقلال سر زمین خویش علیه متجاوزین روس مردانه مبارزه می کنند. آوازه قیام شیخ شامل تن هر روس متجاوز را بلرزده در آورده و می آورد. بلشویکها که خود را قهرمانان راه آزادی و عدالت اجتماعی معرفی می کردند بجای دفاع از حقوق ملت چین، آنها را به بهانه همکاری با فاشیستهای هیتلری در جنگ جهانی دوم در سرمای زمستان سوار بر واگونها رو باز به سبیری تبعید کرد. و این قزاقستان بود که آغوش گرم خویش را به روی آنان باز کرد و نانشان را با آنان قسمت کرده لباس گرم و چادر به این مهمانان پریشان تقدیم کردند. طوریکه امروزه وقتی موج دوم مهاجرت چچنها از سر گرفته شد، آنان به قزاقستان که آنجا را وطن دوم خود می نامند آمدند.

در فاصله سالهای ۹۶-۱۹۹۴ چچنها نیروهای متجاوز روسی را مجبور به عقب نشینی کرده که طبق شرط نامه ای موسوم به " حاسا و یورت " استقلال نسبی خود را اعلام کرده در راه رسیدن به استقلال کامل دمی از مبارزه مقدس خویش باز نیاستادند. مبارزه چچنها تأثیر مستقیمی بر دولتمردان مسکو گذاشته به عزل و نسب پیاپی نخست وزیران و حتی تا مرحله عزل دومای دولتی(مجلس) کشور رسید. تا اینکه قصاب ك گ ب بنام ولادیمیر

ادامه ص ۱ روز جهانی حقوق بشر

...محرور شوند. معاهده بیکار با تبعیض آموزشی که در ۱۹۶۰ میلادی به تصویب کنفرانس عمومی یونسکو رسیده است، از حق اقلیت های ملی برای انجام دادن فعائیت های آموزشی مطلوب خودشان حمایت ویژه به عمل می آورد و هر گونه تبعیضی را نسبت به هر گروهی از اشخاص ممنوع می کند.

رژیم اسلامی ایران یکی از امضاء کنندگان این پیمان بین المللی حقوق انسانهاست و به وسیله این امضاء در برابر تمامی کشورهای عضو سازمان ملل و نیز افکار عمومی جهان تعهد سپرده است که به همه موازین این پیمان پایبند بوده و به حریم آنها تجاوز نکند. ولی رژیم اسلامی که ۲۰ سال از عمرش می گذرد در طول این ۲۰ سال بی وقفه تمامی حقوق بشر را گستاخانه باعمال کرده و به حریم آزادی همه شهروندان ایران بطور خشونتباری تجاوز کرده است به دنبال همین نقض مکرر حقوق بشر، که در تاریخ ۲۰ اسفند ماه ۱۳۶۶ توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به تصویب رسیده بود، محکوم شد. در قطنامه های مذکور از جمله دلایل محکومیت رژیم نقض آزادی افکار، عقاید، مذهب و نیز نقض حقوق اقلیت های ملی و مذهبی بر شمرده شده است.

۲۰ سال پیش خلق ترکمن، که یکی از خلقهای تحت ستم و محروم از تمامی حقوق ملی ایران است، برای پایان بخشیدن به ستم ملی و احقاق حقوق خویش، مطالبات هویت جویانه خود را در قالب خواست خود مختاری بیان کرد. پاسخ رژیم اسلامی به این مطالبات بر حق سرکوب خوئین خلق ترکمن بود. از این تاریخ به بعد تبعیض و ستم ملی حدت و شدت بیشتری گرفت.

با هر حرکت و صدای اعتراضی به صورت خشن برخورد شد. آزادخواهان و ملی گرایان تبعید، زندانی، شکنجه و اعدام شدند. منطقه ترکمن صحرا به پادگان نظامی بزرگی تبدیل گردید، بگونه

ای که حتی گذاشتن اسامی اصیل ترکمنی، که یکی از ابتدائی ترین حقوق انسانی است، نیز غیر مجاز اعلام گردید!

بدیهی است که در چنین کشوری رشد تدریجی مناطق اقلیت نشین نسبت به دیگر مناطق ناهنجار خواهد بود. کما اینکه با گذشت ۲۰ سال از عمر رژیم اسلامی این اختلاف فاحش خود را به وضوح نشان می دهد. مناطق ملی در مقایسه با دیگر مناطق چه به لحاظ فرهنگی و هنری و چه به لحاظ اقتصادی و صنعتی به مراتب خیلی عقب مانده ترند.

ادامه این روند در دراز مدت عقد افتادگی محض و فقر اقتصادی، صنعتی و حتی اجتماعی و فرهنگی غیر قابل تصویری را در پی خواهد داشت!

وظیفه همه هموطنان آزادخواه است که در برابر اینهمه ظلم و تبعیض سکوت نکنند و اقلیتهای ملی را در راه احقاق حقوق ملی شان یاری رسانند. زیرا دست یافتن به دموکراسی و رشد و توسعه ممکنمان بدون مشارکت فعال همه مردم ایران و رشد موزون تمامی مناطق آن امکان پذیر خواهد بود.

سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن
دسامبر ۱۹۹۹

ماده ۲۶

(از متن اعلامیه جهانی حقوق بشر)

- (۱) هر فردی حق تحصیل دارد. تحصیل حداقل بسایند در دوره مقدماتی و پایه رایگان باشد. تحصیل مقدماتی اجباری است. آموزش شغلی و حرفه ای باید برای همگان باید قابل حصول باشد. تحصیلات عالی باید بدون تبعیض بر اساس قابلیت ها و مساعی افراد، در اختیار همگان قرار گیرد.
- (۲) آموزش، باید رشد کامل شخصیت انسانی و تقویت احترام حقوق بشری و آزادیهای بنیادی را هدف خود قرار دهد. باید درك متقابل، مدارا و دوستی بین همه ملتها و گروههای نژادی و مذهبی را موجب شود و به مساعی ملل متحد برای حفظ صلح یاری رساند.
- (۳) در وهله نخست والدین اند که حق دارند نوع آموزش کودکان خود را تعیین کنند.

چرا تدریس زبان و ادبیات

ترکی آغاز نشد؟

ما آذربایجانی‌ها انتظار داشتیم بعد از این همه صحبت و خواسته‌ها، همینطور نامه‌هایی برای مقامات بلندپایه نظام اسلامی خصوصاً مجری قاتون، مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران فرستاده میشد و باز هم میشود، در سال تحصیلی جدید تدریس زبان و ادبیات ترکی (آذربایجانی و ترکی) در مدارس، در کنار زبان رسمی مملکت که هم‌اکنون در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول ۱۵ و ۱۹ آمده است آغاز شود ولی بارها با اینحال اقدامی نشد.

چرا ما نباید به زبان مادری‌مان تدریس داشته باشیم؟ مگر شما مسئولین و اندیشمندان دم از جامعه منصفی و دموکراسی نمی‌زنید؟ از افتخار ایران این است که که دارای زبان و فرهنگ‌های مختلفی چون ترکی، کردی، گیلکی، فارسی، بلوچی و ترکی آذربایجانی... که هر کدام دارای فرهنگی غنی برای خود می‌باشند.

عشق به زبانها نشانه تکامل شخصیت انسانی است و دشمنی با یک زبان هر زبانی که باشد دشمنی با بشریت است. زبان وسیله‌ای است گسترده و کارآمد که برخی از این وسیله‌ها تند و برنده و برخی کند است. زبان فارسی زبانی است که اجداد ما آذربایجانی‌ها هم در گسترش آن تلاش کرده‌اند. شاهکارهای ادبی ارزشمند و جاودانه به این زبان هدیه کردند و در بلندی آن بیشتر از هر ملیت و قومیت دیگری تلاش کرده‌اند. مگر غزنویان و ملجوقیان ترک زبان در طلبه ادب فارسی، صد‌ها شاعر را در دربار خویش از چین تا آسپای صغیر گسترش ندانند؟ مگر نظامی گنجوی در کنار عشق و آفرینش به زبان مادری، پنج گنج ادب فارسی را خلق نکرد؟ مگر خاقانی، مجیرالدین بیلقانی، مهستی، فلکی شیروانی، عمادالدین نسیمی، مولانا محمد فضولی، صاحب تبریزی، استاد شهریار و صد‌ها شاعر بزرگ دیگر در عین

عشق به زبان مادری‌شان، تقدیم فرهنگ فارسی نکردند؟ اما چه شده است که عده‌ای قلم به‌ستان، بی‌توجه به این خدمات ارزنده فرهنگی آذربایجانیان به زبان و ادب فارسی، زبان به توهین و افترا و نامزدگویی گشوده‌اند. آری بزرگان شعر و ادب آذربایجان همانند عمادالدین نسیمی‌ها، فضولی‌ها، ختایی‌ها و استاد شهریارها تلاش کرده‌اند قندینه‌های پست و زلال خویش را به سه زبان دنیای اسلام ترکی، عربی و فارسی بیان کنند و در هر سه زبان به آفرینش ادبی بپردازند و در کل به مجموعه فرهنگ اسلامی و بشری بیافزایند.

در کجای آثار این بزرگان کوچکترین نگاه تحقیرآمیزی به زبان و فرهنگ دیگری مشاهده شده است؟ آیا خدمات استاد شهریار به زبان و فرهنگ فارسی انکار نابگیر است؟ هم در کنار خدمات ارزنده اش به زبان و ادب فارسی از عشق لایزالش به زبان مادری‌اش (ترکی) سخن می‌گوید و متذکر می‌شود که به زبان ترکی برخورد میکند. می‌بینیم که منظومه "حیدرلی‌ایا سلام" در تمامی کشورهای ترک زبان و در بعضی کشورهای آسیایی و اروپایی جزو دروس دبیرستان و دانشگاه می‌باشند. اما چرا امروزه از پارسی زبان کمتر کسی این چنین نعمان گزاینده به زبان ترکی برخورد میکند؟

و باز آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران روز شنبه ۱۳۷۸/۸/۳۰ در اجتماع باشکوه مردم تبریز در استادیوم جهان پهلوان تختی این شهر با تجلیل از رشائتها و ارزشهای فرهنگی و معنوی استان آذربایجان شرقی، از تبریز بعنوان قلب آذربایجان یاد کرد. پس با این همه توصیف و حقایق در مورد آذربایجان فه‌رمان و درکل مردم ترک زبان ایران، ما آذربایجانی‌ها، کلا ترک زبانان ایران حواستار به اجرا در آمدن اصول پانزدهم و نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستیم. یعنی تدریس زبان و ادبیات ترکی آذربایجانی و ترکی در مدارس، از ابتدایی تا دانشگاه

همچنین حواستار کفالت تلویزیونی و فرستنده رادیویی و همچنین روزنامه و هفته‌نامه و مجلات فرهنگی، ادبی و علمی به زبان ترکی می‌باشیم.

واقعاً مسئولین محترم و زحمتکش حکومت اسلامی لگن از روی انصاف عقل و منطق و به دور از احساسات قومی و نژادی به این خواسته‌ها توجه داشته باشند، می‌بینند که واقعاً از ابتدایی‌ترین حقوق اولیه فسخ‌ها، هم‌اکنون خواندن و نوشتن به زبان مادری می‌باشند. پس عزیزان محترم بیایید ملت گرای و قوم‌گرای را کنار گذاشته به خواسته‌های اقوام ایرانی احترام گذاشته و جامعه عمل بپوشیم.

پایرامعلی محمدی

(روزنامه خرداد ۱ آذر ۱۳۷۸ / ۲۲ نوامبر ۱۹۹۹)

۲۳. تن از دانشجویان و دانش‌آموختگان و نویسندگان عرب خوزستان در نامه‌ای سرگشاده به رئیس جمهوری نوشته‌اند: "زبان عامل تفکر هر قوم و ملتی به شمار می‌رود و هرگاه این عامل دچار بیماری یا رکود شود تفکر آن قوم و ملت نیز دچار ایستایی می‌شود. اکنون عرب خوزستانی را از هفت سالگی مجبور به آموختن زبانی می‌کنند که زبان مادریش نیست. البته ما مخالف آموزش زبان فارسی که زبان رسمی کشور است نیستیم، بلکه برای جلوگیری از لغت وسیع تحصیلی که خوزستان را در رده ۲۲ قرار داده پیشنهاد می‌کنیم که زبان عربی که زبان مادری بومیان عرب است، در کنار زبان فارسی در دوره ابتدایی تدریس شود."

تبریز شماره ۵

(تشریح این، ش ۷۱ خرداد ۷۸)

اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: "زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون فارسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است." اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: "مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود."

مجاهدین رجوی، تداوم بی هویتی و افراطی گری (۲)

فرجام همدیگر ساختن عضوی از رده پائین تشکیلات به یکباره با دبیر اول آنرا بهتر است باز از زبان آقای مجید بازگفته بشنویم: "پس از اعلام همدیگر مریم با مسئول اول سازمان، مطرح شد که بدلیل جایگاهی که او دارد دیگر نمیتواند به خانواده و همسر قبلی اش مشروط باشد و او از مهدی ابریشمچی طلاق میگیرد و چند هفته بعد اعلام کردند برای تکمیل شدن رهبری سازمان و از آنجایی که این دو نفر شب و روز با هم بوده و تا دیر وقت نشست دارند لازم است با هم دیگر ازواج کنند و سرانجام در ۳۰ خرداد ۱۳۶۴ مطرح گردید در آرم سازمان مجاهدین جای این دو حلقه ازواج خالی است!!"

البته این "انقلاب لیدولوژیك" رجوی که بیشتر بر دحل مسئله جنسی وی میخورد تا به يك نگرگونی لیدولوژی در يك سازمان سیاسی، علیرغم تئوریه نیکتاتور منشا نه وی در این سازمان، از مخالفت تعدادی از اعضای مجاهدین بدور نماند. اما این افراد نیز که در رأس آنها پرویز یعقوبی قرار گرفته بود با جار و جنجال تبلیغاتی و با انتساب آنها به عوامل نفوذی جمهوری اسلامی در مجاهدین، سریعاً منکوب و مرعوب گردیدند و نتوانستند نیروی چندان بزرگی را با خود از این سازمان جدا سازند. البته بودند روشنفکرانی که بیش از حد به روشنفکر بودن تمایل دارند و البته و آنها بودند که رجوی را از خارج از تشکیلات مجاهدین نیز یاری دادند. بعنوان مثال یکی از این آقایان بیش از حد روشنفکر، بنام ماشاءالله رزمی، در شمار ۳۸ ماهنامه راه آزادی می نویسد: "در انقلاب لیدولوژیك سال ۶۴ بخشی از نیروی مجاهدین از قافله عقب می ماند. پرویز یعقوبی از جناح مذهبی و سنت گرای مجاهدین بخاطر مسائل سیاسی و اخلاقی رو در روی رجوی قرار میگیرد. مخالفت او مشروعیت رجوی را بیشتر میکند و نیروی که با او همراه می شود ناچیز است!!"

اما، استفاده رجوی نه از انقلاب لیدولوژیك خود، بلکه از این شکافی بوده است که در لیدولوژی مذهبی سازمان در آن مقطع بوجود آمده بود. وی توانست از این امر نهایت استفاده را ببرد و فرم جدید رهبری فردی خود را که چیزی جز ارتقاء خود تا سطح اولو هیت مطابق با اندیشه های مذهبی اسلام ارتجاعی و سنن خمینی نبود، در سازمان مجاهدین جا بیاندازد. وی با توفیق به این امر نه تنها خود را از جوابگویی در مقابل هیچ قانون و ارگان تشکیلاتی رها نید، بلکه خود را تنها معیار خوبیها و بدیها قرار داد که وظیفه تمامی اعضای مجاهدین پیروی مطلق از اوست. این همان قدرت تام و کاملی بود که رجوی بعد از به بن بست رسیدن تمامی سیاستها و عقاید خود در تشکیلات مجاهدین به آن شدیداً احتیاج داشت. وی فوراً کمیته مرکزی و دفتر سیاسی را منحل و به هیئت اجراییه تبدیل نمود. از آن بپسند تمامی اعضای سازمان مجبور به درک این حقیقت شدند که هر مسئولیتی که به آنها سپرده میشود، صرفاً مسئولیتی اجرایی بوده و آنها تنها آلت فعل پیشبرد فرمان رهبر هستند و نه بیشتر!

مهدی ابریشمچی که از رهگذر ایفای نقش محلل بین خانم سابق خود یعنی "مریم عضدالملکو قاجار"، به مرید بی اراده رهبر مجاهدین نائل آمده بود، در همین رابطه در سخنرانی خود در جمع "انجمن دانشجویان مسلمان خارج از کشور" مجاهدین، که در شماره ۲۵۵ نشریه مجاهد انتشار یافته است، میگوید: "در رده های پائین تر از مسئول اول (منظور مریم) و رهبری لیدولوژیک (یعنی رجوی) همه مشروط هستند و قبل از همه به مسئول بالاتر خودشان مسئول هستند. آیا مسعود در بالا به کسی مشروط است؟ فقط به انقلاب! رهبر لیدولوژیک مان مسئولی جز خدا ندارد! همه در سازمان مسئول دارند یعنی مشروط هستند به

مسئولشان ولی در تماس با رهبری، اینطور نیست؟ مریم هم مسئول ندارد، مسعود هم مسئول نیست. هر دو اینها مستقیماً خودشان مسئولند. به هیچکس بعنوان مسئول در بالاتر از خودشان پاسخگو نیستند. بعنوان مسئول اینها مسائل را متکی بر لیدولوژی و اندیشه خود باید حل بکنند!!"

اما، بیان مسئله فوق از طرف آقای ابریشمچی بیشتر به پندار يك ناکام شباهت داشت تا به واقعیت؛ ناکامی که آرزوی تحقق نیافته خود در سازمان مجاهدین را با وجود رقیبی سرسخت و خود کامه چون رجوی، در وجود خانم سابق خود تحقق یافته تلقی میکرد! اما بهتر است واقیقت را باز از زبان آقای مجید بازگفته، معاون سابق مرکزیت سازمان مجاهدین بشنویم. وی در این مورد می نویسد: "یادم می آید که بعد از اعلام همدیگر و ازواج مسعود و مریم، به دلیل تبلیغات زیادی که سازمان روی مریم و مسعود انجام داده بود، برای بسیاری از اعضاء سازمان این "سنو قاهم" ایجاد شده بود که مقام مریم و مسعود یکی است و تفاوتی بین آنها وجود ندارد. برای رفع این سنو قاهم، نشست در عراق برای کادرهای شورای مرکزی سازمان گذاشتند و به توضیح موضع و منش مریم در رهبری سازمان پرداختند در این نشست مطرح کردند، مریم "تکمیل کننده" و "پاک کننده" (وضعیت دیگری که یادم نیست) مسعود است. واقعیت هم همین بود مریم بدون مسعود، اساساً معنی ندارد و به همین دلیل است که پس از همدیگر، نام "رجوی" می گیرد."

از آن تاریخ بعد این رجوی است که يك تته در تشکیلات مجاهدین می تازد و هیچ مانع محدود کننده ای در قبال قدرت مطلقه وی بر مجاهدین وجود ندارد. زیرا که وی اکنون کاملاً منطبق با تعریف ولایت مطلقه فقیه، مبدل به امام مجاهدین شده است. کادرهای قدیمی و شناخته شده تشکیلات مجاهدین که امکان اندکی مخالفت آنها با امامت رجوی میرفت، یکی بعد از دیگری از مسئولیتهای تشکیلاتی خود تا حد هوادار و اعضاء ساده تنزل داده شدند یا هرگونه تنمته ای از نمکراسی درون تشکیلاتی تا نابودی آنها مبارزه ای سخت از پیش برده شد. دیگر تنها این رجوی است که چون امام میتواند گناهکار را ببخشد و یا فردی را مورد مجازات اعدام قرار بدهد. زیرا که بجزوی دیگر هیچ مرجعی برای بررسی و داوری در سازمان مجاهدین وجود ندارد. پرورش اعضاء با روحیه مذهبی، فاناتیسم، فالانتریزم و خرقه پرستی و گسترش نوحه خولنی و برگزاری شبهای دعای کمیل و غیره به سبک حزب الله و تارالله رژیم اسلامی ایران، از دستاوردها و تعلیمات جدید رهبر لیدولوژیک و امام مجاهدین است. توسل به پیش گونیهای غیر واقعی که مختص رمادان و فالگیران شیاد است، از طرف رجوی جایگزین تحلیل علمی و واقعی از روند منطقی و تاریخی رویدادهای سیاسی کشور شده است. در این رابطه باز آقای مجید بازگفته است که چنین می نویسد: "او آنچنان رضی و خشنود از این تحول به اصطلاح کیفی بیرون آمده بود... که در ۳۰ خرداد سال ۶۵ اعلام کرد" حال که مسئله امامت و رهبری را حل کردیم، سرنوشت خمینی را طی دوسال آینده ورق خواهیم زد! و یا در نشست داخلی سازمان هنگام ورود به عراق اعلام کرد که ما حداکثر ۲ الی ۳ سال در عراق خواهیم بود!" اما يك سیاستمدار حرفه ای پر تجربه هیچگاه با توسل به پیش بینی، حتی نزدیک به احتمال نیز دست خود را از قبل داخل پوست گردو نمیگذارد، چه برسد به تعیین دقیق تاریخ يك واقعه بزرگ سیاسی!

اما، امام رجوی را دیگر نه تنها باکی از این پیشگونیها نیست، بلکه از ارتکاب افراطی گری و مساجرا جونیهای از نوع عملیات "فروغ جاویدان" که بی شباهت به خودکشی ...

مجاهدین رجوی...

۲۰ خرداد سال ۱۳۶۰ این سازمان نیست نیز ابائی ندارد.

رجوی شاید فکر میکرد که پایان جنگ ایران و عراق پایان کار مجاهدین نیز هست و دیگر دیکتاتوری چون صدام حسین، احتیاجی جهت اعطای حق اقامت و تجهیز نظامی و دادن کمک مالی را به فرقه وی را نخواهد داشت. اما باز شاید وی نمی دانست که از یکسو، تا مادامیکه ایران و عراق در يك حالت نه جنگ نه صلح بسر میبرند، استفاده از گروهی چون مجاهدین رجوی برای گرفتن امتیاز بر سر میز مذاکره با رژیم اسلامی ایران برای صدام حسین مفید است. از سوی دیگر رژیم های بحران زا و ناسازگار با همسایگان و با دنیا همیشه تمایل دارند، لپوزیسونی از مخالفین دولتهای دیگر را در اختیار داشته باشند تا روزی چون ابزاری جهت مضامع خود علیه دولتی دیگر بکار گیرند. بنابراین تا مادامیکه ایران، آیت الله حکیم ها و حزب الدعوة عراق و گروه های بارزانی را در خود پناه داده و برای تحب فشار گذاشتن رژیم عراق و ایجاد نا آرامی در آن کشور آنها را مورد استفاده قرار میدهد، صدام حسین نیز رجوی و فرقه او را برای خود حفظ خواهد نمود.

بنظر میرسد که برای رجوی نسیست زدن به عملیاتی از نوع " فروغ جاویدان " يك انتخاب ترجیحی بوده است تا يك انتخاب سیاسی. زیرا وقتی که ارتشی تشکیل میشود، این ارتش صرفا برای جنگیدن است و الا در بهترین حالت از درون می بوسد و با به ضد خود تبدیل میشود. رجوی در آن شرایط با می بایست این ارتش را منحل می ساخت و همراه با خلع سلاح آن، این نیرو را در مجرای سیاسی شدن و برای فعالیت سیاسی دراز منتهی آماده می ساخت و یا آنرا در جهت قدرت طلبی عجولانه و به هر بهی ممکن خود قربانی می ساخت. شوق دوم با توجه به شخصیت آقای رجوی بیشتر برای وی دلپذیر تر و گیرا تر بود تا شوق اول که می توانست با سیاسی شدن این نیرو خطرات زیادی را برای یکه تازی خود رجوی در تشکیلات مجاهدین در دراز مدت ببار آورد. اما، نتیجه چنین اقدام و انتخابی از قبل مشخص بود، یعنی تار و مار شدن این به اصطلاح ارتش از ادیبخش در حوالی کرمانشاه و برگزاری مراسم سینه زنی و نوحه خوانی برای کشته شدگان در حومه بغداد!

در اینجا بجاست به يك اشتباه تاکتیکی بزرگ رجوی که در تشدید شدن این سرآزادی کاملاً مؤثر بوده است نیز اشاره ای داشته باشیم. رجوی منطقه کرمانشاه را برای هدایت نیروهای مسلح خود برای فتح قدرت مرکزی در ایران و با حداقل برای ایجاد منطقه ای آزاد در آن انتخاب کرده و روی حمایت مردم این منطقه از نیروهای خود حساب باز کرده بود. در حالیکه رجوی همیشه آگاهانه و آشکار حقوق ملی ملت های تحت ستم در ایران از جمله ملت کرد را نفی و چند ملتی بودن ایران را وقیحانه لنگار کرده و حل مسئله ملی ملت های ایران در برنامه سازمان وی هیچگاه جایی نداشته است. بهمین دلیل نیز عملیات " فروغ جاویدان " وی نه تنها با هیچگونه حمایتی از طرف ملت کرد مواجه نشد، بلکه کشتار و قلع و قمع وحشیانه افراد ارتش رجوی از طرف جلاخان خمینی نیز با بی تفاوتی و سکوت این ملت همراه بوده است. این خود تجربه ای است گرانبها برای تمامی نیروهای سیاسی ایران. زیرا مسئله فوق یکبار دیگر نشان داد که در کشوری که اکثریت آنرا ملت های تحت ستم تشکیل میدهد، هیچ نیروی سیاسی بدون اذعان به وجود چند ملتی بودن ایران و تعهد عملی به رعایت حقوق حقه این ملت ها از همین امروز پذیرش سیستم های سیاسی موجود در دیگر کشورهای چند ملتی و دمکراتیک جهان برای ایران، نمی تواند ذره ای نیز از حمایت این اکثریت در ایران، برخوردار شود!

اما رجوی نه از تجربه فوق و نه از تار و مار شدن نیروهای نظامی خود درسی گرفت و برخوردی که وی با این مسئله کرد، نشان داد که وی از تکرار چنین اقداماتی که معنایی جز روانه ساختن نیروهای مجاهدین به سوی يك خودکشی واقعی ندارد، ابائی بخود راه نخواهد داد.

هر دیکتاتوری همیشه می تواند کسانی را در نور و بر خود بیابد تا آنها را بدون اینکه در تصمیم گیریها کوچکترین نقشی داشته باشند، مسبب اصلی شکست های خود قلمداد کرده و کازه کوزه ها را بر سر این افراد بشکند. رجوی نیز همانند این دیکتاتوران، با شکست عملیات " فروغ جاویدان " خود، فوراً اتگنست اتهام خود را بسوی علی زرکش که در آن دوره، جانشین وی بود چرخانید! بدین ترتیب بار دیگر رجوی با درینگی تمام و با عدم رعایت کوچکترین موازین اخلاق سیاسی، هم از اعتراض و انتقاد اعضای در ره شکسته ارتش آردیبخش خود رهایی یافت و هم از شر جانشینی علی زرکش! حتی " عذوفت و مهربانی رهبر "، شامل حال علی زرکش نگردید و رهبری را در جلسه ای با حضور رئیس جمهور منتخب خود و مسئول تشکیلات مجاهدین یعنی مریم رجوی و اعضای دفتر سیاسی مجاهدین، به خیانت و اعدام محکوم کرد!! البته این فرجام ضعیفی تمام کسانی است که در رکاب شخصی چون رجوی که قدرت را برای قدرت می جوید و حاضر است برای رسیدن به آن همه چیز را فدا و نابود سازد، مبارزه میکنند!

شاید بی انصافی باشد که موقعیت بی چون و چرای آقای رجوی را فقط در عرصه تشکیلات مجاهدین و در تبدیل آن به يك فرقه مذهبی و ارتقاء خود به درجه امامت این فرقه و به موقعیت پی در پی وی در ارتکاب اشتباه پشت اشتباه در عرصه سیاست و به سردرگمی وی در اختراع هویتی جدید برای فرقه خود، خلاصه نمود. اکنون آقای رجوی در خارج از این فرقه مذهبی نیز بویژه برای مجلات و روزنامه های فکاهی و برای طنز نویس به چهره روز تبدیل شده است. ما برای اینکه خوانندگان ما نیز از این تقن بی نصیب نمانند، مقاله ای از مجله فکاهی اصغر آقا را که به سردبیری طنز نویس معروف ایران، هادی خرسندی، منتشر می شود، از شماره ۲۰۸ این مجله، عینا در ذیل نقل می کنیم:

عملیات شامورتنی بازی سازمان مجاهدین با شعار محوری «آجی مجی لا ترجی» ناگهان محلات شیر خورشید را بر پرچم ایران ظاهر کرد و حاضران را از قدرت ابتکار برادر رجوی غرق حیرت و تعجب ساخت.

(همشینی عبارت عربی و ستاره مجاهدین با شیر خورشید، البته ابتکار طراح اصغر آقا است. مجاهدین جدا جدا عرضه شان میکنند که ملت ایران گیج نشود. بازی با دم شیر هم باز کار ضراح ماست).

برادر رجوی همچنین سرود " ای ایران " را بعنوان سرود رسمی لنتخاب کرده که البته قرار است تا وقتی به ایران بر نگشته اند، بصورت « ای بغداد » ای شهر پر گهر اجرا شود.

انتخاب خانم مریم عضدانلو قاجار بعنوان رئیس جمهوری ایران توسط شورای ملی مقاومت که با مخالفت شدید خود ایشان صورت گرفت! نیز ملت ایران را عجالتا با سه رئیس جمهوری! یکی در داخل و دو تا در خارج، در گیر کرده است که این البته پس از دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی، برای ملت ما کم هم هست.

برادر رجوی که چند سال پیش به مدد ازدواج لیدنولوزیک، مریم خانم را بجای عیال قبلی اش - دختر بنی صدر - نشانده، اینک او را رسماً بجای شخص بنی صدر نشانده و از مقام فیروزه ای به مرتبه ابولحسنی ارتقاء داده است.

۱۲ نجی یانوار تراگه دیاسی

"شبو گون ماتام توتوب، حیوان، انسان بیغلاشار، گوگ لرزان اوروب، یر و آسمان بیغلاشار، نالا دارتیب، هم بولوتلر چرخ ایوان بیغلاشار، عارلصات قوبدی بو گون مؤمنلره لخر زمان".

بو یانغینلی سطرلر کلاسیک شاه-یریمیز مسگین قاجینگ اروسیت پادشاسی نینگ گوگ دبه قالاسیندا عامالا آشیران قیرغین جیلیقلی یوریشی حاقیندا یازان "بلالاردان نشان" ادلی قوشغوسیندان آلیندی. ۱۸۸۱- نجی ییلینگ ۱۲- نجی یانواریندا تورکمن حالقی نینگ باشینا اینن بو الهنج و قانلی واقعا آزیندان ۲۰ مونگ تورکمن شهید قانینا بویالدى. اولار اوز قیزیل قانلاری بیلان واطانینگ ارکینلیک آغاجینی سوواردیلار.

گوگ دبه تراژدیسی باراسیندا تورکمنیستانینگ بلنی عالیملاری ایلاتیادا آکادمیک میرات آنانپس چونگگور علمی ایش یازدیلار. عالمینگ "تاریخ، دوغروچیل اووره نیلینده" ادلی اولی گؤوروملی علمی ماقالاسی ۱۹۸۹- نجی ییلدا ساویت ادبیاتی ژورنالی نینگ ۱۰- نینجی سانیندا چاپ ادیلدی. بیز بو و شنیلده-گوگ دبه یوریشینه یاردام برنن ایران دؤولتی نینگ آرخیو ماتریاللارینا سالغیلانپ، بو تاریخی واقعا باراسیندا ماغومات برماگه سینانشیاریس.

اروسیت پادشاسی نینگ باسیبالجیلیقلی سیاساتی نینگ دوامیندا اورتا آسیا طاراپ یوریش اویار. موندان شاد بولوب، دونونا سیغمان اوتوران ایران حؤکمتی، تورکمنلرینگ اولارا بویون بولمانی ارکین یاتساماق اوغروندا باش گؤته رنلریندن اینجالیقسیز بولوب، روسلارینگ اورتاقلاشیپ تورکمن بلاسیندان دینماق اوغروندا اوزادان الینی بوغتا قیسیپ، اولارا حمایت برکدیگینی مالیم ایار.

هر ایکی دؤولت، ایکی یاندان تورکمنلری قریپ، یورتلارینی تالاماق اوغروندا اورتاق حرکت گچیارلر.

بو باردا ادلی آغزالان ماقالادا شنیله سطر بار: " اورسیدینگ ایرانداتی وکیللریندن و سرحد یاقاسینداتی حاکمیتلردن قوچانداتی هم بجنوردداتی خراسان کورتلری نینگ آحالی لارینگ قارشیسینا چوزوشلار قوراپ دورماغینی خواهش ادیدیر. اول ۱۸۸۰-نجی ییلینگ ۲۰-نجی اییون آییندا اورسیدینگ ایرانداتی وکیلنه ایبرن تله گرامیندا شنیله حابار بریدیر: "بیز یوردی تا گوگ دبا چنلی توزدوردیق، خراسان کورتلری نینگ چوزوشلاری هم گوگ دبه بیلن آشغابات آرالیغینی توزدورماق اوچین قورالسا ماقصادا لایق بولاردی. اساسی زات تکه لرینگ آذیق زاپاسلارینی، املاکلرینی اودلاماقدان، ماللارینی اللریندن الماقدان عبارات". اول چوزوشلارینگ مؤجبرینی "یترلیگ چاکلره" یتیرمگی خواهش ادیدیر و "داری هم اوق" کؤمگینی برماگه وادا بریدیر."

روس گنرلی اسکوبله ووینگ گوگ دبه یوریشی باراسیندا تهرانیینگ مرکزی آرخیویندا شنیله دکومننت ساقلانیر: "سرحت دن قوشان حابارا گؤرا ساپار آییندا روسلار ایکسی گزگ تورکمنلرینگ اوستونه چوزویدیلار. تورکمنلر ۳ ساتی توپ، اولجا آلییدیلار، روسلاردان تاقمین ۲ مونگ سالدات، ۱۴ گنرال هم کاماندير هلاک بولوپدیر، دؤرت تیرکشیگ آیینگ باشلاریندا روسلار آدم ایبریپ، تورکمنلری بویون بولماغا چاغرییدیلار. تورکمنلر: "بیزینگ آرامیزدا دینگه قلیچ حؤکوم سورره" دییپ، جوغاب بریدیلر. بیر گون، ایکی ساغات گون دوغاندان، تا ۹ ساغاتلاپ روسلار ۳ طاراپدان قالاتوپ اوقونسی یاغدیریار، قالانی ضبط ادیب، ۱۵ اوی بیلن کؤپ مال- قارا روسلارینگ الینه گچیار. ۴ مونگه قولای آدم قریلیدیر. قوچان، بجنورد و دره گزیدن اولجا بیغناماغا باران آدمالاریمیزدانام ۲۰۰-ه قولایی هلاک بولدی. قالا سیناندان سونگ ۱۲ مونگ اویلی تورکمن گوگ دبه دن قاجیب، قوما هم مارا طاراپ سیغنایارلار، ۱۰

مونگ اویلی ایلات تجنه قاچیب آتیار لار، مونگ اویلی تورکمن بولسا، بیزینگ سرحدیمیزه آشیپ، خوراسان حوکومتیندن پناه بریلمگینی سورایار لار. "ایران دؤولتی اورسیت بیلن باغلان شرط ناماسی اساسیندا قاچیب آتان تورکمنلره پناه برمان اولارینگ باریسینی روسلار قایتاریپ بریار.

خراسان کورتلری نینگ ماسلیغا قونیان قوش کیمین اولن تورکمنلرینگ مال-قارالارینی تالایشی بار اسیندا ادلی اغزالان ماقالادا شنیله ماغومات بریلیار: "قالانینگ ایچینده دینگه روسلار دال، ارمنی لر هم کورتلرده تالانگچیلیق ادیبیدر لر. کورتلر آیراتینام واغشیلیق ادیبیدر لر. اولار قالانینگ باسلیپ آینشینا سین ادیبیدر لر، ماسلیغا قونجاق قارغایلی، تاماملانارینا قاراشیبیدر لار. شوندان سونگ بولسا قالانینگ ایچینه گریپ ادن-اندگینه باشلاپیدر لار، تالانگچیلیق ماقصادی بیلن عیاللاری و چاغالاری اولدوریدر لر، قولاق حالقالاری اتی بیلن قوپاریپیدر، آلیپیدر لار، بیله زیگلری الی بیلن چاپیب آلیپیدر لار. کورت توپارینگ یانیندا بولان پارس حاربی آگنتی (جاسوس) ذوالفقار حان پارس صگرلرینی آرات ادمگ باهاناسی بیلن "باش مونگه قولای یاش قیزلاری و عیاللاری سایلاپ آلیپیدر و گرمایینگ اوستی بیلن پارسلارینگ چاکلرینه اوغراپیدر. اولارینگ آراسیندا یاشاجیق قیزلارده کاندی. ذوالفقار حانینگ حرکتینه گوزگچیلک ادیان آدام بولماندیر، اونسونگ عیال داشایان بو پارس حاربی آگنتی اومماسیز بایلیق توپلاپیدر. "ترنتوف، ذوالفقار حانینگ اینگ اودان عیاللاری سایلاپ آلانديغینی، اولار، حامانا تکه لر طاراپیندان یسیر آنان عیاللار دیپ، ایناندير اندیغینی بلله یار. بوزاتلارینگ همه سی قالا سینانندان سونگ، دینگه تورکمنلرینگ املاگینی تالاماق بیلن مشغول بولماندیغینی، مونگلرچه یاش گلین-قیزلارینگ ایرانا سورلیپ اگیدیندیگینی هم گوزگزیار. بو بولسا اوز نوباتیندا، ایراتینگ آحال

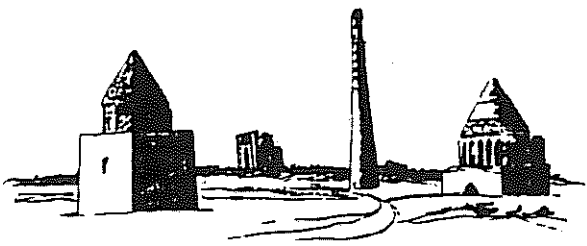
ایلاتینا قارشسی اورشدا اورسیدینگ یاراتی بولانديغینا شایاتلیق ادیار."

گوگ دپه سؤوشینده شهید بولان تورکمنلرینگ خاطیراسینا خدایولی برمک دابیسی بولشویک جاههنمیندن قاچیب، تورکمن صاخراسیغنان تورکمنلرینگ آراسیندا ایردن باری یونگ بولوپ گلیار. ۱۹۷۵نجی ییلدا علمی ایشلر بیلن مشغوللانیب یورن دؤوریمده بیرنجی گزگ جرگلاندا گوگ دپه سؤوشینده شهید بولانلارینگ یاغتی خاطیراسی اوچین بریلن صاداقانینگ اوستوندن باردیم.

تورکمنیستاندا ایلکینجی گزگ ۱۹۹۰نجی اغزی بیرلیک حالق حرکتی بو مسالنی قوزغاپ، اونونگ گچیریلگی یولوندا عاذاب بارینی چکدی. شوندان سونگ ساپار میرات نیازوف ۱۹۹۱نجی ییلینگ یانواریندا بو یاوز گونی، ماتام گونی خاطیرا گونی دیپ اونی رسمیلشدیردی و بو حادیشا بار اسیندا شنیله سؤزلر بیلن تورکمن حالقینا یوزلندی:

"بو هلاک چیلکده تورکمن حالقینگده، روس حالقینگدا بنیله کی حالقلارینگ ده گوناسی یوق، گوگ دپه ده بی گناه آداملارینگ قانی دؤکولدی... سونگ سونگلار تورکمن روس حالقلاری و یوردینگ بنیله کی حالقلاری اوزلری نینگ قاتناشیقلارینی حوش نیتلی لیک بیلن قوردولار..."

بوگون تورکمن اولوسی میلی توپراغمیزینگ ارکینلیگی یولوندا شیرین جانلاریندان گچن بلند مرتبه لی انسانلارینگ یاغتی خاطیرالارینی بلند توتیار و اولارینگ یورکلرده ابدیشجکدیکلرینه تویس یورکدن اینانیریس شهیدلرینگ خاطیرالارینا یوردومیزینگ دورت کونجونده بریلیان صاداقیدر خودایولی لاری نینگ قبول بولسون.



تورکمنیستاندا كۆپ عيالىلىق بار اسىندا

تورکمنیستانینگ برة زىنتى ساپارميرات نيازوف ۱۷نجى نويايرده اشغاباتلى هيكل تر اشلار بيلن نوشوشان ماحائيندا تورکمنیستاندا كۆپ عيالىلىقا يول برىلىپ بو بار ادا مجليسه قانون چيقاريلجاقدىغىنى ايتدى. حالق كۆپچولىگى نىنگ بئيله ايزا قالاق سياساتا قارشىدىغى بار اسىندا تورکمن جمعيتىنگ دورلى باشىندا قى آدمالارنىگ سىسلىمه لرى مسه مالىم بولدى.

اشغاباتان گنپ قاوشان يار اماز حابار لار، تورکمنیستانىنگ يکه سياسى جهندن دال، لىسنىم اقتصادى تايدان دا پسه لىپ، كۆپ عيالىلىق دوزورينه بارىپ يىتتىدىگىنى، شىدىپ هم مدرن دؤولتىگه اىتمىلىشدا ان ارنى اچىيانلىغىنى گوزكر يار.

بو يرده گنگ قالىپ اوتوراسى زلت يوق. حوکومتى، پارلامنتى بى قانون، كانىستىتوتسىيانىنگ لگىتىماتىياسى گومورتىك يوردونگ ياغدايى موندان قارى بولوب هم بىلمز. كۆپ عيالىلىق گىرىزىلسه- گىرىزىلمه سه ده، بو مىسلىنىنگ قوز غانملىغى نىنگ اوزى تورکمن دىكتاتورى نىنگ يوردى اوز لى بىلن دوشورنن كرىزىسىندن چىقارماغا، جمعيتچىلىك مىسلىه لرىنى چوزماگه اوقىبىسىزلىغى حاقتا اوزونه برىان شهادىتاماسى بولوب دور يار.

تورکمنىستان اىنگنگان باى يورت. اول بوگونكىسى يالى حور- حومسى ياشاپ، بئيله غازىپ دوشمه لى دؤولت دالدى. يوردونگ حاضىر قىن لقتصادى، سياسى و سوسىال ياغدايا دوشىنلىگىنه جو غاپكار ده تورکمنلرىنگ بىر عيالىلىغى دال ده، اونونگ بو كرىزىسلردن چىقالغانى كۆپ- عيالىلىقتان اغتارىان نالاج لاه بىن يولباشچىلارنىگ ايش اونگار ماىانلىغى، كوزدهين، چالاسولتىغى. اونونگ بو دابىنىگ گلىپ چىقانلىغىنى بىليانلىگى ده گومانا.

"كوب- عيالىلىق" بىرچاق اسلامىنگ قىلجىندان قان داهىرىپ، اىنانجانگ، سادە، بىلىم درجه سى پس آدمالارنىگ اوستونه يوكلان لىهنچ دابى عار لىب مدنىتى، تورکمنه دلخىللى ىرى يوق. بو داپ اسلام طار اىپىندان بئيله كى يورتلار اگترىلن هم بولسا، اونونگ اوزى اويلاپ تاپان زلدى دال لول ۲۰۰۰ يىل چمه سى موندان اوزال، حاضىركى اوغانىستاندا قى طالبيدنام ۱۰۰ اسسه بىتر واغشىچىلىقتا ياشان عار ايلارنىگ اوز تازە دوغولان

چاغاسى نىنگ كلە سىنى غىز بولان حالائىندا- قلىچ بىلن كسىپ، رحمدار رقلارنىگ هم لونى دىرىجه گوزمن دوزورينه نكشلى.

قالىبر سه ده مىللى و مدنى كىملىنگىنى دىكاتمك دىيلىدىگى گچمىشه دولانمالى دىيلىدىگى دال. اول دىنگه گچمىشنىگ اونگىلى طار ايلارنىدان گوىچ، اونگىسىز طار ايلارنىدان ساپاق لىپ، گلجگه گونومك، زامانا بىلن ايقداش قوبماق.

اصلىندا آدمالارى دىمىرىپ، شىخصىت تايدان قاوشاقر رقلارنىدا اوزىنگه "مرحمتلى" دىيىرىپ، قوشى قوشدىرماق، يادا "الله" دىيىرىپ سجده لتىرماق قىن ايش دال. حالقنىگ سوسىال ياغدايىنى اغىرلاشدىرماق بىلن، اونونگ پسخولوگىياسىنى لويتگىتىدىگىنى، اینه، بولانى شول. يونه ساپارميرات نيازونىنگ لوىگىسى ياغىر يالى دىنغىسىز بىه لرىندن قوبولپ دوران هم بولسا، تورکمن حالقى ازىلمان، گوىچلى چىقتى. اینه قووتستگ شونگا قووتمالى. حالق كۆپ- عيالىلىغى اسلانوق. بو جمعيتچىلىك بىكرى. جمعيتچىلىك بىكرى نىنگ ده قانوندىغىنى هيچ كىم انكار ادىپ بىلمز.

قالىبر سه ده كۆپ- عيالىلىق مىسلىه سى تورکمنىستانىنگ اساسى قانونىنا قارشى گىلار. كانىستىتوتسىيانىنگ ۱نجى ماده سىندا تورکمنىستانىنگ دموراتىك، حقوق و دىنىوى دؤولتىگى ايدىلار.

سونگونى ساىغارمان، قاراض اغزىنگا گلە نى سامراپ يوزىستىگ، ايشىنگ قىنلاشاندىغىنى دا دويمان قالىبانگ. تورکمن دىكتاتورى حاضىر بىر چىقىنىسىز ياغدايدا. اول كۆپ- عيالىلىغى گىرىزه دونىا مۆچىرىنده بىنام بولجاقدىغىنى، توىكرن توىكولىگىنى دنمماق بىلن ايزىنا آلان حالائىندا، گىپنى گورگىپ بىلمان اير ايدان دوشجىدىگىنى بىليان بولسا گرك. نامه اتسه ده، بو اونونگ اوز ايشى. يونه بو قانون گىرىزىلن حالائىندا، اونى حالقنىگ قولداماجاغىنى، اول دىنگه بىر دىكتاتورىنگ اىچرى سياسى مىسلىه لرىندن يانگا نادىرىنى بىلمان، قورتاب يوزن لوىونىدىغىنى دونىا جمعيتچىلىگىنه يترما بىزىنگ ايشىمىز.

بیانیه تأسیس جنبش دمکراتیک احواز

درست در بندی دیگر بعد از سقوط مراکز فرهنگی و سیاسی خلفمان بدست رژیم حاکم در تهران و قسم ، و پس از سالها تلاش برای طرح ریزی زیربنای یک حرکت انقلابی و دمکراتیک حساب شده بعد از چندین و چند اجلاس و بحث همه جانبه و گفتگوی عمیق و مفصل در داخل و خارج اقلیم احواز ، در نهایت امر موفق شدیم در مورخه ۹۵/۶/۱۲ با یک گردهمائی و توافق بر سر نقاط اساسی همت به تأسیس جنبشی بنام الحركة الديمقراطية الاحوازیه (جنبش دمکراتیک احواز) گماشتیم . زیرا ضرورت انقلابی در این مرحله تاریخی ایجاب می‌کند جنبشی سراسری و فراگیر جهت جلوگیری از نابودی و مضمحل کردن یک خلق که دارای فرهنگ غنی چندین هزار ساله ، آداب و رسوم و هویت تاریخی مشخص می‌باشد ، به وجود آید . تا بتوان از جهتی شمعی در ظلمت حاصله از حاکمیت تاریک اندیشان افروخت و صدائی رسا در مقابل زور زورمندان مسلط برسرنوشت توده ها به سمع رساند . و از طرفی دیگر بتوان گامی در جهت بسط و توسعهٔ جنبش خلفمان و رساندن ندای حق طلبانهٔ آن بوجدان جهانیان برداشت .

شکی نیست که فقط از طریق مبارزهٔ بی وقفه و گسترش ارتباط بین تودهٔ عرب و سایر نیروهای مترقی و پیشرو ، می‌توان به هدف نهائی رسید . آرزائی که خلفمان سالهان دراز جهت رسیدن به آن شهدای بی‌شماری نثار کرده ، مقاومت سرسختانه از خود نشان داده است ، تا مانع مفقود شدن هویت ملی زهر چکمه های خونین شؤولیزم شاه و ملامت شود .

ما همان خط مشی شهدائی چون عبسی المنخور ، محی الدین آل ناصر ، بهراب آل ناصر ، سید محمد عبودی و هزاران هزار ستارهٔ دیگر که خون پاکشان را در جویبار انقلاب خلق جاری کرده اند ، ادامه خواهیم داد . مبارزهٔ ما جهت کسب حقوق باعمال شده یعنی حق تعیین سرنوشت ملی در چارچوب یک جمهوری دمکراتیک است بوجهی که خلقهای ساکن ایران بتوانند در یک فرماندوم آزادانه به خواسته های عادلانهٔ خود دست بازند .

ما به نوبهٔ خود غارت ثروت ملی از طرف رژیم دیکتاتوری گذشته و رژیم شؤولیزم مذهبی کنونی ، که تشکیل دهندهٔ گروه های ترور و بنیادگرا و همچنین تأمین کنندهٔ بودجهٔ مالی آنها در کشورهای خاورمیانه و از جمله فلسطین ، الجزایر ، مصر ، بحرین و . . . را شدیداً محکوم می‌کنیم و از مجامع بین المللی می‌خواهیم این رژیم را بخاطر جنایتهایش تحریم کنند . ضمناً از تمامی سازمانهای بین المللی و در رأس آنها حقوق بشر ، عفو بین المللی و صلیب سرخ جهانی و همچنین انسانیهای آزاده می‌خواهیم که به باری خلفمان شتافته از نابودی آن جلوگیری بعمل آورند . و اسیران خلفمان را که در سبه جالهای رژیم نژادپرست زهر شکنجهٔ روحی و جسمی بسر می‌برند ، نجات دهند .

در اینجا ما گذری سریع به اعمال کثیف نژادپرستانهٔ رژیم شؤولیزم حاکم در تهران و قم که به خلفمان تحمیل گردیده ، اشاره بعمل می‌آوریم ، و در فرصت مناسب دیگری بصورت مفصل نکات زیر را برای عموم شرح خواهیم داد :

• در جمهوری اسلامی ایران پدر و مادر یک عرب حتی این اختیار را ندارند جهت فرزندان توزاد خود ، بدلبخواه خویش نامی انتخاب کنند .

• یک عرب بومی در جمهوری اسلامی شهروند درجهٔ دوم به حساب می‌آید .

• با اینکه اقلیم احواز بر روی دریاچه ای از نفت و گاز قرار گرفته و رژیم روزی بیش از چهار میلیون بشکه نفت (طلای سیاه) و هزاران متر مکعب گاز از این اقلیم صادر می‌کند ، ولی مردم عرب احواز هنوز از هیزم و حتی در بعضی از مناطق از بهن گاو جهت پخت و پز و همچنین گرم کردن منازل استفاده کرده ، و از وقور نعمت نفت و گاز محرومند . ما از کلیهٔ فرزندان قهرمان خلق عرب احواز دعوت بعمل می‌آوریم ، تا صفوف خود را در جهت مبارزه در راه دستیابی به حقوق مشروع خلق ، مستحکم تر و راسخ تر سازند .

حقایقی درباره جمهوری

قدرتمند تورکیه

در شماره ۱۶ گنگش مقاله سراسر توهین آمیز و عاری از حقیقت درباره جمهوری برادر تورکیه بقله شخص مجهول الهویه ای بنام "ایلر" چاپ شد که مایه تأسف خوانندگان بیشمار منجمه را رقم این سطور گردید. امیدوارم نشریه گنگش طبق موازین مطبوعاتی جوابیه اینجانب را در اولین شماره خود چاپ نماید. در وهله نخست این سؤال پیش می‌آید چه لزومی پیش آمد تا نشریه گنگش ۶/۵ صفحه از مجموعه ۲۴ صفحه ای خود را به این مقاله کذایی اختصاص دهد؟ مگر هدف اصلی از ایجاد نشریه بیان درد و مظلومیت تورکمنهای ایران نبود؟ حال چرا بجای دفاع از تورکمنها و برادران هم نژاد و همخون آن، در کنار دشمنان قسم خورده اش همچون دول فارس، روس، ارمنی و یونانی‌های سوپر شوونیست مقالاتی در جهت کوبیدن تورکان و قلب حقایق نشر میکند. اگر مدیریت فعلی گنگش بخاطر بی‌اورد در نشستی که برای ایجاد نشریه تشکیل گردید، هدف از ایجاد نشریه جدید (گنگش) بیان مشکلات تورکمنهای ایران ابراز گردید و حتی اسمی تورکمنی برای آن انتخاب گردید، نه درج مقالاتی که دل برادرانمان را برنجاند.

درباره مقاله و نویسنده آن.

بیبایم خودمان را گول نزنیم، دنیا دیگر آنقدر کوچک شده که اگر زیر هزار عنوان و ماسک هم پنهان شویم دست ما رو خواهد شد. امروزه روش نگارش و طرز تفکر تمامی تورکمنهای قلم بدست خارج نشین معلوم است، با اندک توجهی می‌توان به ماهیت اینگونه افراد که هر روز زیر یک نام ساختگی به لجن پراکنی علیه منافع ملی خلق خویش مشغولند پی برد. اگر این شخص واقعا به ادعاهای خود در مقاله اش اعتقاد داشته باشد چه لزومی داشت نام خود را پنهان کند؟ گفته شود، شاید از ترس ج. اسلامی اینکار کرده باشد، باید قبول کنیم که با درج این مقاله، ج. اسلامی برای وی غیر از جایزه و مدال چه خواهد داد، از آن گذشته مگر در مطبوعات ج. اسلامی درباره تورکیه غیر از این نوشته میشود. زمانی ایلر ها به دیگر ترکمنهایی که نوکری فداییان اکثریت را میکردند (البته آنان حالا نیز به شغل شریف! مشغولند) میگفتند که "تا ناقتان را از فداییان نبرید مستقل نمی‌شوید"، آیا این است ناف بریدن تان؟ شما که بدتر از آن دسته اید. سخنی که آنان جرئت بیانش را نیافته بودند از زبان شما می‌شنویم.

و اما از سخن بکاهیم و بر مبلغ بیافزاییم.

من در این نوشته قصد ندارم به مزخرفات يك شخص مجهول الهویه پاسخ دهم بلکه لازم دیدم مختصر حقایقی را درباره جمهوری قدرتمند و برادر تورکیه بیان کنم.

۷۵ سال پیش در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۲۴ کمال مصطفی پاشا (بعدها بخاطر خدماتش به ملت تورکیه به اتاتورک ملقب گردید) جمهوری تورکیه را بنیانگذاری کرد. دشمنان قسم خورده ملت تورک، همچون دول یونان، انگلیس و فرانسه تهاجم وسیع دریایی و خشکی را برای نابودی جمهوری نوپای تورکیه آغاز کردند ولی رهبری دایمانه اتاتورک نقشه های متجاوزین را نقش بر آب ساخت و در طی نبردهایی با عنوان "قورتولیش ساواشی" (جنگ راهایی بخش) اشغالگران را در دریای اژه و مرمره غرق ساخت. طوریکه بعد از این جنگ هر کس با افتخار این شعار اتاتورک را زمزمه میکرد:

"نه موتلی تورکوم دیننه

" NE MUTLI TÜRKÜM DIYENE

[چقدر غرور انگیز است خود را تورک نامیدن].

اتاتورک به این مسئله که دشمن دانسا در جهت حمله به تورکیه منتظر فرصت است، واقف بود. بهمین سبب وی بنای ایجاد ارتشی مدرن و نوین را پایه ریزی کرد ارتشی که خواب را بر چشم دشمنان داخلی و خارجی حرام کرد.

قانون اساسی تورکیه قدرتمند بر اساس روند دنیای در حال پیشرفته تدوین گردید. مراکز وسیع علمی-تحقیقاتی بوجود آمد. در زمینه صنایع گوناگون از آنجمله صنعت کامپیوتر و نیز در زمینه تاریخ، ادبیات و زبان تورکان جهان (از آنجمله تورکمنها) بررسی های علمی شایان تحسین انجام گرفته و میگیرد.

در تورکیه مدرن امروز تعداد مطبوعات و رادیو-تلویزیونهای دولتی و خصوصی از شمار خارج است. دهها کانال تلویزیونی تورکی از طریق ماهواره در تمامی دنیا قابل مشاهده است.

دمکراسی در تمامی سطوح جامعه خود را نشان میدهد. در مطبوعات کشور انتقادات شدیدالحنی علیه نارساییهای حکومت منتشر میگردد. جمعیت دفاع از حقوق بشر و سازمان ملل با انواع مختلف دفاتر خویش در تورکیه فعالیت میکند. بجاست گفته شود ایرانیان بیشماری از طریق کمیساریای پناهندگان سازمان ملل مستقر در تورکیه به اروپا پناهنده شده اند (برخی از رؤسای گروههای سیاسی به اصطلاح چپ و راست بجای تشکر از تورکیه که چنین امکاناتی در اختیار آنان قرار داده نمک شناسی کرده به لجن پراکنی علیه تورکیه مشغولند)

البته هر دولتی عاری از مشکلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نمی باشد. دشمنان جمهوری تورکیه بمنظور خرابکاری در اقتصاد

بنابه اعترافات کادر رهبری گروه تروریستی PKK، برخی از رده های بالای آنان از آنجمله عثمان اوجالان (برادر عبدالله) هنوز در ایران بسر میبرند. جمهوری اسلامی برای گروه تروریستی PKK بیمارستان و سایر تدارکات لجستیکی تأمین میکند. حال- احوال یونانیان نیز بهتر از این نیست، وقتی عبدالله اوجالان در کنیا دستگیر شد از جیب وی پاسپورت قبرس یونانی کشف شد که معلوم گشت کار همسایه یونان بود.

فرانسه، انگلستان، اسپانیا و دیگر کشورهای که تاکنون در کشور خودشان نتوانستند مسئله اقلیتهايشان را حل کنند، بفکر دلسوزی!! کردن تورکیه برآمده در دم آتش کوره PKK دمیده، وضعیتی را بوجود آوردند که اینک تمامی این کشورها از آنجمله آلمان از اینکه ترور PKK را دست کم گرفته پشیمان گشته مجبور شد فعالیتهای آنانرا در خاک خود غیرقانونی اعلام کند.

ایلر در مقاله خود چند نکته را بدون ارائه فاکت ارائه میکند:

۱- "۲۳ نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست تازه تأسیس ترکیه هنگامیکه داوطلبانه از محل تبعید اجباری خود روسیه، جهت شرکت در جنگهای استقلال طلبانه در سال ۱۹۲۲ به ترکیه بازگشتند فوراً در کنار مرز روسیه و ترکیه از طرف رهبران نظامی ترکیه بدون هیچگونه محاکمه ایی همگی تیرباران شدند".

(به استناد به کدام مدرک و سند تاریخی؟)

۲- "قتل عام یکجای هینت تحریریه نشریاتی چون روزنامه ملیت را با برخورداری کامل از حمایت ارتشیان.. پیش بردند... این کشور هر ساله ۶۶ میلیارد دلار مواد مخدر صادرات به اروپای غربی و آمریکا دارد. در ترکیه تاکنون هیچکس و هیچ گروهی از ستم این دار و دسته سیاه به رهبری ارتش این کشور در امان نمانده است".

اگر ارتش تورکیه در محاکم بین المللی علیه تو (ایلر) دعوا باز کند آیا جرئت دفاع از این ادعیه ات را داری؟

در رابطه با تورکیه و قبرس:

گرویا ایلر از جنایات رومیها و یونانیان در قبرس بیخبر است که چنان رومیان قبرس به پشتگرمی یونانیان سینه مادران و خواهران ما را در آنجا با سرنیزه تفنگهایشان بردند و آنچنان قتل عام وحشیانه ای براه انداختند که تاریخ از بیان آن شرم دارد. بالاخره صبر و تحمل ملت تورک پر شده مجبور به دادن درس به جیونان رذیل رومی گشت. اگر رومیان ذره ای انصاف داشته باشند- که اصلاً ندارند، میباید با ساکنین تورک این جزیره همانند انسان رفتار میکردند. آنان دو بار عهدشکنی کرده فدراسیون

کشور انواع مختلف کارشکنی را در داخل کشور بوجود میاورند. بودجه ایکه میبایست برای ایجاد مدارس، مراکز درمانی و سایر تأسیسات رفاه اجتماعی صرف شود، خرج مبارزه علیه ترور کوز هدایت شده از خارج میشود.

دشمنان داخلی تسورکسیه (گروههای مانویست، مارکسیست، مرتجعین مذهبی از انواع ملایم آن گرفته تا حد افراطی اش نظیر حزب الله و غیره) به دستور اربابان خارجی اشان شب و روز در اجرای اهداف شوم خویش، دستانشان را بخون مردم بیگناه آلوده میکنند.

کردهای تورکیه

سالیان درازی است که تورکان و کردها برادروار در کنار یکدیگر زندگی میکنند، آنان در راه آزادی سرزمین مشترکشان تورکیه در نبردهای قورتولیش شان در شان یکدیگر ایستادند و ... دشمنان قسم خورده تورکیه برخی کاستیها موجود را عمده کرده بدست برخی از آنان سلاح داده، گروه تروریستی بنام P KK را بوجود آوردند. در طی ۱۵ سال بزاتو در آوردن این گروه تروریستی بیش از ۳۲ هزار تن قربانی داده شد که بالاخره سردسته این گروه (عبدالله اوجالان) نزد ملت تورک بزاتو نشست و تسلیم عدالت گشت.

حکومت تورکیه امیدوار است با سرکوبی ترور در مناطق کردنشین موفق به اجرای طرح "Gap" (عمران و آبادانی مناطق جنوب شرقی) شود. یعنی ایجاد مدارس، مراکز درمانی، بهداشتی، سرمایه گذاری در زمینه صنایع، احیاء اقتصاد (کشاورزی و دامداری) برای مناطق کردنشین در این طرح در نظر گرفته شده است.

تورکیه و دخالتهای بیگاتگان

همسایه شرقی تورکیه یعنی جمهوری اسلامی ایران از يك طرف در دیدارهای رسمی با مقامات کشور تورکیه دم از همسایگی خوب میزند از طرف دیگر اجازه راهپیمایی برای روز ساختگی حمایت از شهدای ارمنه را صادر میکند، چیزی که صرفاً روز لجن پاشی علیه جمهوری تورکیه نمیباشد. جنایات دانشناکهای ارمنی در قره باغ آنرابایجان اینک بر همگان معلوم گشته است. (اخیراً این گروه حتی به نمایندگان مجلس خویش نیز رحم نکرده بسوی آنان در داخل خانه ملت شلیک میکند). ناسیونال-شونیستهای ارمنی (دانشناکها) در سال ۱۹۱۵ در روستای اغری تورکیه هزاران- هزار تن از برادران ما را زنده بگور کردند، امروزه اجسادیکه از گورهای دسته جمعی خارج میشود برخلاف مزخرفات دانشناکها نه به خلق ارمنی بلکه متعلق به تورکان است.

جهانی تر شدن سرمایه داری

و بحران ملیت ها (۱)

تمیه و تنظیم : ارکین

در دو دهه اخیر ، جهان شاهد تحولات و رخداد های عظیمی بود که دامنه اثرات آن هنوز ادامه دارد .

۱- فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشورهای بلوک شرق که ضعف و بعضا تلاشی جنبش های چپ را باعث گردید .

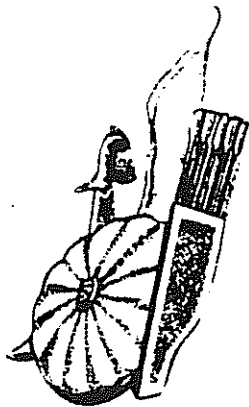
۲- تأثیر گذاری این فروپاشی بر تحولات آتی جهانی است که موضوع مقاله حاضر می باشد :

۱-۲- شتاب بخشیدن به تجمع و انباشت سرمایه جهانی و قدرت یابی بی حد و حصر سرمایه است که به لحاظ کمی ارقامی نجومی را ردیف می کنند و در پی این انباشت سرمایه ، نظام سرمایه داری بیش از پیش جهانی تر و به اصطلاح گلوبالیزه می شود . البته جهانی شدن سرمایه کالایی با پیدایش بازار بین المللی در چند صد سال پیش شروع گردید که صاحبان سرمایه و بازرگانان در پی یافتن بازارهایی برای فروش کالاهای خود بودند . مثلاً تجارت با آسیای شرقی و جاده ابریشم به مثابه موجودیت تجارت کالایی بین المللی می توان نام برد . بنا بر این وجود روابط تولید سرمایه داری پیش شرط وجود تجارت بین المللی نیست به همین خاطر سرمایه کالایی مدتها پیش مختصات بین المللی به خود گرفته است ، که در مراحل اولیه عمدتاً بر اساس محصولات و کالاهای لوکس صورت می گرفت . با رشد و توسعه سرمایه داری در اروپا ، بازار جهانی نیز شکل نوینی به خود گرفت . مرحله جدید ، جهانی تر شدن سرمایه داری نامیده می شود . در این دوره انباشت سرمایه در چارچوب دولتهای قدرتمند سرمایه داری بویژه ایالات متحده ، ژاپن و جامعه اقتصادی اروپا صورت می گیرد و بحران انباشت ، منجر به سرمایه گذاری در بخش سودآور تجاری و مکانیسم های بازار گردیده است . شرکتهای فراملی به بین سرمایه های هنگفت و تکنولوژی مدرن و علوم داده پردازی ، اقتصاد

جهانی را کنترل کرده و سرنوشت بشریت را در محدوده قدرت خویش به خدمت می گیرند . این جهانی شدن سرمایه داری موجبات تجدید نظر در تقسیم کار بین المللی را فراهم گردانید و این در حالی است که کشورهای صنعتی پیشرفته ، قبلاً به جهان سوم به عنوان بازار فروش کالاهای ساخته شده و دریافت مواد خام می نگرستند ، ولی امروز در هم تنیدن سرمایه مالی جهانی و رفع خطر و تهدید سرمایه از جانب انقلابات رادیکال ، مشکلات محیط زیست ، مهاجرت وسیع انسانها از کشورهای پیرامونی به کشورهای صنعتی غرب به منظور کارایی ، موجب گردید است که برخی کشورهای توسعه نیافته ، سهم قابلی را در تولید صنایع کمتر پیچیده بدست آورند و این امر موجب وابستگی متقابل تمام این کشورها را به یکدیگر فراهم می آورد شرکتهای چند ملیتی بزرگتر ، رفته رفته سهام رقبای کوچکتر را خریداری کرده و یا باهم ادغام می شوند و سیری ناپذیر کنترل خویش را بر سیطره جهان می گسترانند . سهم سرمایه این شرکتهای فراملی در محصول ناخالص جهانی در ۱۹۹۵ به بیش از ۳۰٪ افزایش یافته است . این شرکتهای عمدتاً در کشورهای صنعتی جهان به ترتیب در : ژاپن ، آمریکا ، آلمان ، فرانسه ، انگلیس ، سوئیس ، کره جنوبی ، ایتالیا و هلند می باشند . این شرکتهای ، مرزهای ملی را دور زده و به یک تولید کننده بین المللی تبدیل می شوند بطوریکه تولیدات خویش را نه به نام کشور معینی - بلکه به نام شرکت تولید کننده عرضه می نمایند . آنها با یکارگیری تکنیک انتقال سرمایه و قابل سیالیت آن و با در اختیار گرفتن بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ، سیاستهای سودجویی را در ماوراء مرزهای ملی به اجرا میگذارند . بعنوان مثال بانک سرمایه گذاری جهانی به نام Goldman که شرکتهای فراملی را مورد حمایت قرار می دهد ، در سال ۱۹۹۵ مبلغ ۱.۹ میلیارد دلار سود برده است . با این شرح شعارهای خودکفایی و تولید منحصر در داخل مرزهای ملی و به هر قیمتی ، دیگر به صرفه نبوده و به دوره های

تنها در طی دو هفته در آوریل ۹۸ در ایالات متحده آمریکا ده بانک، مؤسسات خدمات مالی و بیمه در هم آمیختند و پنج تا از بزرگترین شرکتهای جدید را تاسیس کردند. ارزش مالی تنها سه تا از این بزرگان از حجم مالی ۴۶۳ شرکت ادغام شده اروپایی در سال ۹۷ بیشتر است. قدرت اقتصادی این کنسرنهای جدید از تمامی تولیدات ناخالص جهانی بیشتر است. نفوذ مدیران آنها برابر با قدرت رهبران امپراتوری و دامنه نفوذ آنها به گستره جهانی است.

موج تمرکزگرایی برجسته ترین مشخصه این تغییرات است که در حال حاضر سیمای آنها را محك می زند. از ادغام شرکتهای سابق کنسرنهای مختلفی شکل می گیرد که در آن مؤسین و کارکنانهای اجتماعی آنها دیگر نقشی ندارند بلکه قبل از همه چیز نقش راه کارهای اقتصادی عمل میکند. این تعیین کنندگان جدید جهانی خود را محدود و مقید به هیچ دولتی نمی دانند. این ادغام شدگان، قوانین ملی حمایت از نیروی کار داخلی، قوانین کشوری و تعرفه های حقوقی را از عوامل ایجاد مزاحمت برای خویش می دانند. سندیکها و سیاستمداران، کارگران و کارمندان در این کشورها در برابر این پدیده جدید وامانده اند. باید پرسید، برای رژیم های حاکم چقدر جا برای حفظ شکل ساختارشان هنوز باقی است؟ و آیا این رخداد که ظاهرا مانند يك طوفان به تلامح در آمده است قابل توقف است؟



پیشین تعلق دارد. در عرصه تولید، تقسیم کار به رده های متعددی تفکیک شده است بطوریکه قطعات متعدد يك محصول صنعتی با توجه به امکانات فنی و مواد اولیه و هزینه نیروی کار در کشورهای متعددی تولید و مونتاژ می شود و سپس به بازار جهانی عرضه می گردد.

به گفته رئیس کنسرن زمینس: «زمینس همه جا حضور دارد. در بنگال هندوستان، يك شرکت زیر بطن، برنامه های کاربردی کامپیوتر را تولید می کند، در برزیل و آرژانتین و مکزیکو نیروی کار ارزان قیمت لامپهای کهنه اسرام (Osam) را دوباره سازی می کنند و در شمال انگلستان به قیمت ۲ میلیارد مارک، کارخانه تراشه سازی با اشتغال ۱۵۰۰ نفر بریتانیایی دایر می شود. ما در ۱۹۰ کشور و با ۳۸۲۰۰۰ همکار حضور داریم، که از آن ۱۷۰۰۰۰ نفر در کشورهای خارجی مشغول بکارند. تکنسین های زمینس ساختن يك نیروگاه را در قزاقستان برنامه ریزی می کنند و در چین يك شبکه راه آهن را کنترل و هدایت میکنند، آنها در آفریقای جنوبی يك شبکه ارتباطی را اداره می کنند. ترانسفورماتورهای ساخت زمینس در مجارستان و کابلهای متشکل از الیاف شیشه ای در اندونزی با برجسب ساخت زمینس و به ندرت با برجسب ساخت آلمان به بازار جهانی روانه می شوند...»

شرکتهای کامپیوتری، کنسرنهای تلفن، بانکها در هم ادغام می شوند تا غول آسارترین بخش در عرصه اقتصادی - تجاری بوجود آورند. مؤسسات و صنایع ماشین سازی به عنوان قدرتمندترین پشتوانه سهام که در حال حاضر قبمت بزرگی از اقتصاد آمریکا را به گردش در می آورند، سرمایه داری از نوع جدیدی را بوجود می آورند که هیچ کنترلی بر آنها اعمال نمی شود. اگر الگوی سازمانهای غول پیکر در اواسط سالهای ۹۰ به دلایل ایجاد بوروکراسی و کندی روند کار و ایجاد فاصله مورد پسند نبود اما امروز تصورات باطل دیروز مجددا بر می گردند و ((طنین بزرگ زیاست)) به عنوان قواعد قدیمی در شکل نو به صدا در می آیند.

ایلر و هم اندیشان وی گمان میکنند که یگانه کار متخصصان و مهندسان تورکیه مثلا در تورکمنستان رواج فحشا است و لاغیر. میگویند که کارگران این شرکتها به امر فساد مشغولند، آیا این افراد نمی توانند PKK چپی های مجهول الهویه ای باشند که تنها کارشان بهم زدن رابطه تورکان باشد؟

و اما نهایت سخن!

ما بیش از ۲۰۰ میلیون تورک ساکن کرده زمین بسا غرور و افتخاریکه از اجدادمان متنه خاتنها و اوغوزخاتنها به ما میراث رسیده، با گردنی افراشته و قدی راسخ و با حیثیت و شرف در راه رسیدن به آرمانهایمان به مبارزه مقدسمان ادامه خواهیم داد. کور شود هر آنکه نتواند ببیند.

آقمیرات گورگنلی

حورماتلی لوفیجیلر! بو مقالانی اته دیلیمده یازمادیغیم
لوچین سیزدن اوتونج سورایارین.

موجود را زیر پا گرفتند. حال رومیان به پشتگرمی یونان و اتحادیه اروپا فکر میکنند هر آنچه که بکنند درست است ولی کور خواندند، تورکیه به اتحادیه اروپا نه، بلکه این اروپاییان استکه به تورکیه محتاج اند این را اقتصاد شکوفان و درحال رشد تورکیه ثابت کرده است.

و اما در باره جمهوریهای تورک زبان آسیای مرکزی و تورکیه. جمهوری تورکیه از همان فردای استقلال این جمهوریها، استقلال آنرا از متجاوزین روسی برسمیت شناخته، در راستای تقویت استقلالشان اعتبارهای بانکی با سرمایه های هنگفت باز کرد. جمهوری غیرتمدن تورکیه در این جمهوریها صنایع زیربنایی نظیر کارخانه های تکستیل، مواد غذایی، شاهراه و دیگر صنایع را راه اندازی کرد. البته پروژه های عظیم باکو جیحان و انتقال گاز تورکمنستان از بستر دریای خزر به بازارهای جهان از طریق تورکیه را نباید فراموش کرد.

اهداف جنبش دمکراتیک احواز :

- ۱- مبارزه بی امان با رژیم شوونیسم حاکم در تهران و قم ، با هدف سرنگونی آن .
 - ۲- تشریح و بیان تاریخچه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی و جغرافیائی اقلیم احواز .
 - ۳- مذاکره با کلیه احزاب سیاسی ، جمعیتها ، گروه ها و تشکیلات سیاسی مترقی و بشرو و همکاری با نیروهای مردمی خلقهای ترک ، کرد ، بلوچ و ترکمن به منظور تحقق آرمانهای مشترک .
- *تبصره

جنبش دمکراتیک احواز هرگونه همکاری با دیگر نیروها و جریانهای سیاسی را بر مبنای دو اصل زیرهاست می دارد :

الف - اعتقاد کامل به ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی .

ب - اعتقاد کامل و راسخ به حقوق ملیتها تا سرحد جدائی و تشکیل دولت مستقل خود .

۴- جنبش تصمیم گیری نهائی بهرامون آینده اقلیم احواز را جزء حق تعیین سرنوشت خلق عرب دانسته ، هرگونه دخالتی در این تصمیم گیری را مردود می شناسد .

شایان نکر است که ما در آینده نزدیک مواضع خود را در چارچوب برنامه و اساسنامه جنبش به استحضار علاقمندان و پژوهشگران محترم می رسانیم و در این باب نشریه ای بنام « الطريق » را منتشر خواهیم کرد ، که حاوی سرمقاله ، تاریخ ، زندگینامه شهداء ، شاعر و غیره خواهد بود .

سرنگون باد رژیم شوونیسم حاکم در تهران و قم

بیروزی از آن ملیتهای مبارز

جنبش دمکراتیک احواز

A. D. M.

Box 53006 14210 Athina

ماغم قول براغی:

آیریلمه

مستاته یورینچانگ غایری یوردینده
 اونیوب اوسه ن اوزیوردینگده ن آیریلما
 مغرور کاکلیک دی نفسینگ اوغریندا
 داماد وشیب قاتا تنقدان آیریلما

««««««»»»»»»

توکل ات خالقه سرینگ بریب بار
 صبر ایلاگیل بی صبر لیق هم بیکار
 هر یره بارسا ننگز نصیب ینگیز بار
 بای بولای دیب هزتینگده ن آیریلما

««««««»»»»»»

ناماردلار هم محنتلار ناچارلار
 دوزنگ اییب ایشینگ بولسا غاچارلار
 سرینگ پاش ایدیب عایبینگ آچارلار
 قدرینگ بیله ن اولفتینگده ن آیریلما

««««««»»»»»»

گدالارینگ کونگی شالغنی ایسته یر
 نادان کونگی یا لغان سوزه راست دیر
 بی قادنرلار دوشما ننگا دوست دیر
 تالیم به ره ن اوستادینگ دان آیریلما

««««««»»»»»»

کیمسه قاشاق بولوب کیمسه بای بولار
 هر کیمسا نینگ باغسی اقبالی بیله ر
 هه ر نه گلسه با شاتیلینده ن گه له ر
 ماغمتم غولی خلق یاداندان آیریلما

جواب به نامه های رمیحه :

حورماتلی:

دکتر عمده قلیچ بیزه یوللان حاتلنگزی
 آلدیق. به رن دوشوملی یول گورکزمه
 لرنگیز بیزه آلتپ باریان یولنمندا
 اوران گه ره کلی وه سیز یاش اوللی
 لارمندا شیدپ ماصلاحاتلارنی به ریپ
 دورماک لرنی امید ادیاریس.

حورماتلی:

قربان تورکمن یوللان ماقالارنگزی
 آلدیق گره کلی یرده پیدالانارنس. ساغ
 بولونگ

مقالات مندرج در نشریه گنگش صرفاً
 بیان نقطه نظرات نویسندگان آن بوده و
 چاپ آن در نشریه به معنای تأیید
 دیدگاههای مطروحه در آن

نمیشد. نشریه گنگش در چاپ کردن و یا
 نکردن و در کوتاه کردن مقالات رسیده آزاد
 بوده و از خوانندگان عزیز می خواهیم که
 در صورت امکان مطالب ارسالی تان تایپ
 شده باشد.

خوانندگان گرامی! ما کمکهای مالی و
 معنوی خویش مارا در تداوم کارماز حملیت
 نمایید. نشریه خودتان را نه دوستان و آشیایان
 خویش معرفی نمایید. جهت ارسال:

کمکهای مالی:

TURKMEN KF-GEŇGEŞ
 POSTGIRO:4549720-3

آدرس پستی:

TURKMEN GEŇGEŞI
 BOX: 47064
 402.58 GOTHENBURG
 SWEDEN

اوز کیملیگی بیلن
 مرد لری سوزان
 گوز قوانجیم، یورک
 باغم خوش گلدننگ
 ایللی ننگ،
 نامنسنی-عارننی
 قوران
 دایانالی آرقاداغم
 خوش گلدننگ.

<http://www.geocities.com/SoHo/Studios/2421/>

gengeş.geo@yahoo.com

نخبره گنگش مدر خبیه اینترنت:

پسته الکترونیکی گنگش: